

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.2.2.1

## Rethinking on the Concept of the Right to the City and its Relationship with Justice-Oriented Urban Planning (Case Study: A Comparative Analysis of the Haftasiyab and Shishegarkhaneh Neighborhoods of Urmia City)

Ali Samadi<sup>1\*</sup>, Qhader Ahmadi<sup>2</sup>, & Meysam Saket Hasanlouei<sup>3</sup>

1. Ph.D Candidate in Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Urmia University, Urmia, Iran

3. Graduate Master of Urban Planning, Urmia University, Urmia, Iran

\* Corresponding author: Email: [alisamadi1415@gmail.com](mailto:alisamadi1415@gmail.com)

Receive Date: 24 May 2021

Accept Date: 10 January 2022

### ABSTRACT

#### Introduction

Today, "the right to the city" approach is a new concept in response to the unbalanced urban development process, which ultimately leads to a city with justice, cohesion and social cohesion, healthy, livable, sustainable and citizen-oriented. This approach is considered as an effective solution in saving and reviving civil rights and by emphasizing the factor of the right to urban life, provides the grounds for the realization and achievement of justice-oriented urban planning and democratic enjoyment of the city. Meanwhile, justice-oriented urban planning has entered the field of urban development as an important knowledge and leading approach in urban planning in order to respond to the social-spatial inequalities produced by capitalism.

**Research Aim:** The present research with an applied goal and descriptive-analytical method, tries to make a comparative assessment of the status of right to the city indicators in urban settlements by adopting a humane background. In fact, the main problem of the research is to measure the quality of the components of the right to the city in the study areas. In this way, the position of urban planning from the point of view of achieving a justice-oriented city as a progressive approach in the field of urban development to be determined.

**Research Methodology:** The tools used in collecting and analyzing information are using document selection and library methods and using the questionnaire tools and Swara and Mabac techniques. The statistical population and sample size of the research includes the total population of the historical context of Urmia, which has been calculated through the Cochran method, the number of samples.

**Geographical Area of Research:** The neighborhoods of Hafasiyab and Shishegarkhaneh in Urmia city have been the cases of the present research.

**Finding and Discussion:** The results of the analysis indicate that the sub-indicators of access to public services and democracy have the highest and lowest levels of importance, respectively.

**Conclusion:** Shishegarkhaneh neighborhood of Urmia city in terms of urban governance, social inclusion, diversity and vitality and spatial access to a more favorable situation than the feasibility of the sub-indicators of the right to the city and achieving justice-oriented urban planning Dedicated to himself.

**KEYWORDS:** The Right to the City, justice-oriented, Shishegarkhaneh, Haftasiyab, Urmia



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۸، شماره ۲ (پیاپی ۶۳)، تابستان ۱۴۰۲  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۲۷-۱۵

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.2.2.1

مقاله پژوهشی

## بازاندیشی در مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با شهرسازی عدالت‌محور (مورد پژوهی: تحلیل تطبیقی محلات هفت آسیاب و شیشه‌گر خانه شهر ارومیه)

علی صمدی<sup>۱\*</sup>، قادر احمدی<sup>۲</sup> و میثم ساکت حسنلوئی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

\* نویسنده مسئول: Email: [alisamadi1415@gmail.com](mailto:alisamadi1415@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۰۳ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۰

### چکیده

**مقدمه:** امروزه رویکرد "حق به شهر" مفهومی نوین در پاسخ به روند توسعه شهری نامتعادل می‌باشد که در نهایت به شهری برخوردار از عدالت، انسجام و پیوستگی اجتماعی، سالم، قابل زیست، پایدار و شهروندمدار می‌انجامد. این رویکرد راه‌حلی موثر در نجات و احیای حقوق شهروندی محسوب گردیده و با تأکید بر عامل حق به زندگی شهری، زمینه‌های تحقق‌پذیری و دستیابی به شهرسازی عدالت‌محور و لذت دموکراتیک از شهر را فراهم می‌نماید. در این میان شهرسازی عدالت‌محور به عنوان دانشی مهم و رهیافتی پیشرو در شهرسازی به منظور واکنش به نابرابری‌های اجتماعی-فضایی تولید شده از سوی سرمایه داری، وارد عرصه توسعه شهری شده است.

**هدف پژوهش:** تحقیق حاضر با هدفی کاربردی و روشی توصیفی-تحلیلی سعی دارد تا با اتخاذ پیش‌زمینه‌ای انسان‌مدارانه، به ارزیابی تطبیقی وضعیت شاخص‌های حق به شهر در سکونتگاه‌های شهری بپردازد. در واقع مسئله اصلی تحقیق سنجش سطح کیفی مولفه‌های حق به شهر در محورهای مطالعاتی می‌باشد. تا از این طریق جایگاه برنامه‌ریزی شهری از نقطه نظر تحقق شهر عدالت‌محور به عنوان رهیافتی مترقی در حوزه توسعه شهری مشخص گردد. **روش‌شناسی پژوهش:** ابزار مورد استفاده در گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، بهره‌گیری از روش‌های سندگزینی و کتابخانه‌ای و استفاده از ابزار پرسشنامه و تکنیک‌های سوارا و ماباک می‌باشد. جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق مشتمل بر کل جمعیت بافت تاریخی شهر ارومیه می‌باشد که از طریق روش کوکران، تعداد نمونه احتساب گردیده است.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه موارد مطالعاتی پژوهش حاضر را تشکیل داده است.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که زیرشاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و دموکراسی به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند.

**نتایج:** محله شیشه‌گرخانه شهر ارومیه در شاخص‌های حاکمیت شهری، شمول اجتماعی، تنوع و سرزندگی و دسترسی فضایی وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به میزان تحقق‌پذیری زیرشاخص‌های حق به شهر و دستیابی به برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور به خود اختصاص داده است.

**کلیدواژه‌ها:** حق به شهر، عدالت‌محور، شیشه‌گرخانه، هفت‌آسیاب، ارومیه

## مقدمه

مقاله شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد، تا سال ۱۹۰۰ میلادی از هر هشت نفر، فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کردند، لیکن طبق آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۹ میلادی، انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰، ۶۸ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی کنند. امروزه تأکید بر مفهوم شهروندمداری و به مثابه آن برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای شهری شهروندمدار و دموکراتیک و توجه بر دیدگاه‌های اجتماعی و حقوقی در مسائل شهری، همواره اهمیت خاصی را در سطح جوامع شهری کسب نموده است. اندیشه حق به شهر<sup>۱</sup> در درون جنبش‌های اعتراضی و مقاومتی شهروندان زاده شد. در سال ۱۹۶۸ میلادی، شهروندان برخی از شهرهای مطرح جهان از جمله نیویورک، پراگ، برلین، لندن، رم، پاریس، برکلی و ورشو خواستار ایجاد تغییرات و تحولات عمیق در حوزه مرادفات اجتماعی خود شدند. مفهوم "حق به شهر" برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ توسط هنری لوفور<sup>۲</sup> جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۰۱ م. - ۱۹۹۱ م.) مطرح شد. نظریه‌پردازان متعددی از سطح جهان در این حوزه اظهارنظر کرده‌اند، که می‌توان به دون میشل<sup>۳</sup>، هربرت مارکوزه<sup>۴</sup>، آنالی کریستیانسن<sup>۵</sup>، مارک پورسل<sup>۶</sup> و دیوید هاروی<sup>۷</sup> اشاره نمود. پس هدف نهایی از تئوری شهری انتقادی نیز، به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است (Brenner et al., 2012).

حق به شهر ابزار لازم برای ایجاد تغییرات شهری و خلق شهری است که تمامی ساکنانش، شهروند و نه شهربند<sup>۸</sup> محسوب می‌شوند (رفعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). لوفور شهر را به مثابه "اثر هنری" یا "Oeuvre" می‌پندارد که محصول نقش آفرینی تمامی ساکنان و استفاده‌کنندگان شهر در یک فرآیند تاریخی و اجتماعی می‌باشد (Lefebvre, 1968: 67). به عقیده وی تحقق‌پذیری حق شهری منوط به "بازگشت به فضاهای شهری گذشته نیست"، بلکه در گرو شکل‌گیری حق تجدید یافته به زندگی شهری است. ذی‌نفعان حق شهری تمامی کسانی هستند که در شهر سکنی گزیده‌اند. لذا حق شهری خود را فراتر از تمامی حقوق آشکار می‌نماید (Lefebvre, 1996: 158-173). لوفور حق شهری را حق به زندگی شهری می‌داند که امروزه اسیر دولت و سرمایه شده است. فضا در خدمت دولت و سرمایه موجب جایگزینی ارزش کاربری فضا با ارزش مبادله‌ای آن و در نتیجه بیگانگی فضا برای بهره‌وران می‌گردد. به منظور مقابله با این بیگانگی می‌بایست کنترل بر نحوه کاربری زمین و پراکنش خدمات در اختیار ساکنان شهر و با هدف بهره‌وری آنان صورت پذیرد. خودگردانی فضایی به معنای تکاپوی ساکنان شهر برای کنترل، مدیریت و تولید فضای شهری متناسب با نیازهای خود می‌باشد (Purcell & Shannon, 2015). لوفور حق به شهر را "درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری" می‌داند (Kofman & Lebas, 1996: 158). حق به شهر، یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف‌نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاری‌های شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصادی شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود (Rahbari & Sharepour, 2013: 117-118). بنابراین این رویکرد یک مفهومی است که آزادی کامل برای همه شهروندان و ساکنان شهر جهت دستیابی به مزیت‌های حیات و مشارکت در تکامل آن قائل است؛ نگرشی مبتنی بر حقوق که دستاوردهای توسعه را توزیع و مشارکت در توسعه را تضمین می‌کند (Iwamoto, 2008).

"عدالت" در لغت به معنی قراردادن هر چیز در جای خود است. همچنین به معنای استقامت چیزی، مستقیم‌بودن، مساوات، داد، انصاف، حکم حق، میزان و امر متعادل آمده است و در اصطلاح حد واسط میان افراط و تفریط است (Naghizadeh, 2007: 136). در تعریف کاربردی آن نیز کوین لینچ<sup>۹</sup> چنین اظهار می‌نماید: عدالت روشی است که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد

1. The Right to the City
2. Henri Lefebvre
3. Don Mitchell (The Right to the city: Social Justice and the Fight for Public Space)
4. Herbert Marcuse (Culture and Societe)
5. Annali Kristiansen (Human Rights Mechanisms)
6. Mark Purcell (The Right to the City and its Urban Politics of the Inhabitant)
7. David Harvey (Social Justice and the city)

۸. اصطلاح شهربند برای اشاره به ساکنان شهرهایی به کار می‌رود که هنوز به سطح شهروندی نرسیده‌اند.

9. Kevin Andrew Lynch

توزیع می‌گردد. از آغاز قرن بیست و یکم موضوع عدالت در نزد متفکرین جریان اصلی حوزه برنامه‌ریزی بسیار داغ و پرشور در جریان بوده است (Fainstein, 2003, 2009, 2010; Campbelle, 2006; Sandercock). برای درک مفهوم عدالت و عدالت شهری، عدالت را "توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت گذاری بین ساکنین یک شهر و منطقه" تعریف می‌کنند (Saeednia, 2004). در این میان، رویکرد حق به شهر با اندیشه عدالت شهری رابطه تنگاتنگی دارد. مفهوم حق به شهر در نهایت به دنباله مطالبه عدالت است. می‌توان جایگاه برنامه‌ریزی شهری را در جهت نیل به عدالت اجتماعی در چهار مرحله عنوان کرد: ۱) انصاف در تسهیم و تقسیم منافع شهری؛ ۲) تأمین امکانات برای همه اجتماعات شهری؛ ۳) تأمین دسترسی کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان شهر؛ و ۴) تأمین اشتغال و مسکن به طور منصفانه برای افراد و ساکنان بخش‌های گوناگون شهر (Bemanian et al., 2014: 243). بنابراین معیارهای اصلی شهر عدالت‌محور عبارتند از: ۱) برابری<sup>۱</sup>، ۲) مردم‌سالاری<sup>۲</sup> و ۳) تنوع<sup>۳</sup> (Fainstein, 2010: 171-175). تسهیلات شهری عناصر مهمی به حساب می‌آیند که می‌توانند از طریق تأمین نیازهای شهروندان و افزایش سطح رضایت از زندگی، به برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد تعادل و توازن در برخورداری از امکانات شهری منجر گردند. درک انسان از مفهوم عدالت نیازی به تعریف و تعمق بیشتر ندارد. علاوه بر این، چون که مصادیق اندیشه عدالت اجتماعی به صورت ذاتی و فطری برای انسان‌ها آشنا و قابل تفهیم بوده است، تشریح این مفهوم از سوی اندیشمندان متعدد در جوامع مختلف شباهت زیادی به هم دارند. امروزه دیدگاه شهروندمداری و تأکید بر عامل دموکراسی، به عنوان عنصری مهم در فرآیند ساماندهی فضاهای شهری، بهبود سطح کیفیت زندگی، بهبود سطح رفاه عمومی، نیل به جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، افزایش سطح آگاهی و اطلاعات عمومی، نابودی سطح تبعیض و کمک به توزیع متعادل امکانات و خدمات شهری، همواره اهمیت و ارزش اساسی را در برنامه‌ریزی و طراحی جوانب مختلف توسعه شهری به خود دیده است که از این نظر اهمیت و ضرورت اصلی تحقیقات مرتبط روشن می‌یابد. فضاهای شهری امروزی بستر اصلی گسترش و تحقق و در عین حال تضعیف نمودن تنوع گسترده‌ای از حقوق زندگی فردی و اجتماعی است. حق به زندگی، آزادی، مشارکت، سلامت، تفریح و از همه مهمتر حق به شهر مفهومی است که بحث اصلی محافل صاحب نظران حوزه شهری را تشکیل می‌دهد. گسترش روزافزون شهرنشینی به دنبال افزایش جمعیت، موجب ایجاد معضلات و چالش‌های نوین شهری در ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی را شده است. در این میان معضلات و نارسایی‌های فضایی - کالبدی از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی، توسعه کالبدی بی‌رویه، افزایش هزینه‌های تولید، توسعه زیرساخت‌های نامناسب ارتباط مستقیمی با ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل افزایش ناامنی، وندالیسم شهری، فقر و غیره دارد که بایستی روابط جامعه شناختی در شهرهای امروزی تقویت گردد. از این نظر رویکرد حق به شهر به عنوان مفهومی اثرگذار و پر قدرت مطالبه‌ای اساسی برای زندگی خوب شهری است که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است.

اهمیت تحقیق حاضر نیز از دو حوزه قابل بررسی می‌باشد. تأکید بر چارچوب تئوریک مرتبط با مفهوم حق به شهر و تبیین واژگان نظری مرتبط با این مفهوم که تأثیر قابل توجهی در روشن شدن اهمیت مفهوم حق به شهر را دارد. و از جنبه دیگر، تحلیل وضعیت محلات شاخص و مطرح شهر ارومیه از جمله شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب (قرارگیری در بافت تاریخی و هسته قدیمی شهر ارومیه) و تعیین سطح مطلوبیت و سازگاری هر یک از آن‌ها می‌باشد که در نهایت سعی می‌گردد با ارائه پیشنهادات و سیاست‌هایی مبتنی بر نتایج حاصل، زمینه‌های رشد و توسعه شهری مطلوب و عادلانه فراهم گردد. در طی سال‌های اخیر، دیدگاه حق به شهر در کانون توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه علوم شهری جای گرفته است که نشان‌دهنده اهمیت و ارزش حوزه مطالعاتی مورد بررسی می‌باشد. به علاوه، حوزه مطالعاتی مذکور بیشتر در کشورهای غربی مورد واکاوی قرار گرفته است و در داخل کشور چندان به تحلیل آن پرداخته نشده است که بایستی مورد توجه و تأکید اساسی قرار گیرد. تحقیق حاضر در تلاش است تا با تشریح واژگان کلیدی طرح شده (با تأکید بر اندیشه هنری لوفور)، اهمیت مبحث حق به شهر را در شکل‌دهی به زندگی روزمره شهروندان در اندیشه همگان روشن نماید. در این راستا، در تحقیق حاضر محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه به عنوان بستر مطالعاتی، جهت ارزیابی تطبیقی وضعیت شاخص‌های حق به شهر با هدف دستیابی به محیطی عدالت‌محور انتخاب شده است. لذا تحقیق حاضر هدف‌های کلی زیر را دنبال می‌نماید:

1. Equity
2. Democracy
3. Diversity



- تبیین مفهوم "حق به شهر" در شهرسازی و فرآیند توسعه شهری امروزی؛  
 - تعیین میزان اهمیت و سطح اولویت هر یک از مولفه‌های حق به شهر از نقطه نظر متخصصین و اندیشمندان حوزه علوم شهری؛  
 - و ارزیابی تطبیقی وضعیت و سطح مطلوبیت هر یک از محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه از لحاظ میزان تحقق پذیری شاخص‌های حق به شهر جهت تدوین سیاست‌ها و راهبردهایی هدفمند و منسجم با هدف تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی و مدیریت شهری عدالت‌محور.

اصطلاح "حقوق شهروندی" برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م فرانسه مطرح گردید که پس از تصویب نیز در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ م قرار گرفت. شهروند از دیدگاه شهرسازی به کسی اطلاق می‌گردد که در داخل محدوده شهر زندگی می‌کند و در قبال آن هزینه پرداخت می‌کند. لذا در این بین حق و وظیفه‌ای نیز هم برای شهروند و هم مدیریت شهر متصور است. شهرنشینی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که منعکس‌کننده روابط موجود در جامعه به عنوان یک کل است (Harvey, 2008: 25). فضای عمومی شهری، فضای باز قابل حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارایی آن نیازمند تعاملات اجتماعی و برخوردهای متنوع است (Tibbalds, 2003). امور شهری باید عرصه‌ای برای شکل‌گیری فضاهای عمومی تولید کنند و از تعاملات اجتماعی و گردهمایی‌های مدنی حمایت نمایند. این فضاها باید به کرامت فردی، قدرت‌گفتمان، مشارکت شهروندی و غیره ارج نهند تا سرانجام دستیابی به دموکراسی شهری ممکن گردد (Brain, 2006; King, 2004). شهروند در گفتار لوفور، واژه‌ای است که تمامی ساکنان شهر<sup>۱</sup> را دربرمی‌گیرد و دو حق را برای آن در نظر می‌گیرد: حق مشارکت<sup>۲</sup> در امور شهری و حق تملک فضا<sup>۳</sup>. حق مشارکت برای ساکنان شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شوند، دخیل باشند. حق تملک یا تخصیص فضا نیز شامل حق دسترسی، تصرف و استفاده از فضا و تولید فضای جدید منطبق با نیازهای مردم است (Kofman & Lebas, 1996: 23).

جدول ۱. مفهوم شهروندی بر مبنای نظریات معاصر

ردیف	دیدگاه	تعریف	مقیاس	منبع
۱	لیبرالیسم	عضویت سیاسی در دولت-ملت	ملی	(Miraftab, 2012) (Holston & Appadurai, 1996)
۲	حق به شهر	سکونت و حضور در شهر و عضویت در باهمستان‌های شهری	محلی و شهری	(Lefebvre, 1996, 2002) (Purcell, 2002, 2003; Plyushteva, 2009)
۳	حق به شهر جهانی	سکونت و حضور در شهر جهانی و عضویت در باهمستان‌های شهری	محلی و شهری	(Purcell, 2002, 2003; Plyushteva, 2009)

Source: Heidari &amp; Zareii, 2019: 15

حق به شهر یکی از مفاهیم مطرح در حوزه مسائل شهری می‌باشد که در سال ۱۹۶۸ میلادی با انتشار کتابی در همین عنوان توسط هنری لوفور وارد مباحث علمی و اجتماعی دنیا شده است. لوفور با طرح مفهوم حق به شهر، رویکردی نو و رادیکال نسبت به شهر مطرح نمود و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید (Mitchell, 2003: 19). این مفهوم تنها با دگرگونی و بازسازی حق زندگی شهری قابل تعریف است (Lefebvre, 1996: 158). به بیان وی، جوامع شهری امروزی بیشتر منعکس‌کننده روابط سرمایه‌داری و نظام قدرت هستند و فضاهای شهری اساساً به خاطر ارزش‌های مبادله‌ای‌شان اهمیت می‌یابند (Lefebvre, 2009: 157). انگاره حق به شهر به طور عام درصدد پس گرفتن نظارت و مراقبت از شهر و استفاده از منافع شهری شدن سرمایه است (Habibi & Amiri, 2016: 9). لوفور حق به شهر را کاملاً متفاوت، به عنوان یک فریاد و مبارزه‌ای رادیکال برای حرکت فراتر از دولت و سرمایه‌داری بیان کرده است (Purcell, 2013: 141). این انگاره پاسخ قدرتمندی است برای تمامی شهرها به‌ویژه شهرهایی که شهروندان آن‌ها به صورت متفاوت (محرومیت و کنارگذاشتن گروه‌هایی از مردم از حق به صلح، امنیت و همبستگی) از تعارض شدید رنج می‌برند (Safier, 2006: 31). در واقع این مفهوم به یک صورت‌بندی اصلی خواست‌های پیش رو برای تغییر اجتماعی در تمام جهان تبدیل گردیده است (Saeedirezvani, 2013: 90). در بیان کلی، مؤلفه‌های اصلی حق به شهر عبارتند از: مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی، تضمین دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری، هدایت متوازن و برابری طلبانه کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن، کار، بهداشت و آموزش، حمل‌ونقل عمومی و فضای

1. Urban Inhabitants
2. Participation
3. Appropriation

عمومی، اوقات فراغت و زندگی طولانی، تضمین دسترسی شهروندان کم‌درآمد به مسکن مناسب و ساماندهی اسکان غیررسمی، استفاده‌ی مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر (Harvey & Maryfield, 2014: 75).

پیشنهاد اولیه "منشور حقوق بشر در شهرها" را یک سازمان غیردولتی برزیلی در ششمین کنفرانس حقوق بشر در برزیل (۲۰۰۱ م) مطرح کرد. این پیشنهاد تحت تأثیر "منشور حفاظت از حقوق بشر در شهرهای اروپایی" (۲۰۰۰ م) نیز بود که بیش از ۲۰۰ شهر اروپایی به آن پیوسته بودند، همچنین از "عهدنامه شهرها و روستاهای دموکراتیک، پایدار و برابر" (۱۹۹۲ م) الهام می‌گرفت. پیرو به رسمیت شناختن اساس‌نامه شهر<sup>۳</sup> سازمان‌های مردم‌نهاد و جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه در برزیل و سایر کشورهای آمریکای لاتین، متن پیش‌نویس "منشور جهانی حق به شهر"<sup>۴</sup> را آماده کردند. این پیش‌نویس در سال ۲۰۰۴ م به بحث گذاشته شد و روی موضوعاتی مانند مشارکت مردمی در مدیریت شهری و بودجه‌ریزی، حاکمیت دموکراتیک شهری، به رسمیت شناختن و اقدام مؤثر در اقتصاد، حقوق اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی و تدوین الگوی اجتماعی عادلانه، فراگیر و پایدار برای توسعه شهر و اقتصادی فعال برای تقویت مشارکت شهری و کاهش فقر تمرکز کرد (Habibi & Amiri, 2016: 22-23). این منشور نهایتاً در همین سال توسط UN-Habitat تدوین گردید و سعی داشت امکانات و منافع شهر را به گونه‌ای برابر برای همه ساکنان شهر فراهم نماید. در این منشور مفهوم اصلی حق به شهر این‌گونه مطرح گردیده است: دسترسی برابر همگان به منافع شهر با توجه به دو اصل پایداری و عدالت اجتماعی. با تأکید بر این نکته که حق به شهر باید به عنوان حق جمعی تمام ساکنان شهر شناخته شود؛ بالاخص کسانی که آسیب‌پذیر هستند و نادیده انگاشته می‌شوند (World Charter on Right to the City, 2004: 1).

از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی که تغییرات گسترده‌ای در حوزه مطالعات شهری به وقوع پیوست، و با اظهارات مطروحه هنری لوفور در ساختار اجتماعی شهر، اندیشمندان و صاحب‌نظران مطرح حوزه برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی شهری به تحلیل و بررسی دیدگاه عدالت شهری پرداختند. دو اثر "پرسش شهری" از مانوئل کاستلز<sup>۵</sup> (۱۹۷۲) و "شهر و عدالت اجتماعی" از دیوید هاروی<sup>۶</sup> (۱۹۷۳) بیشترین تأثیر را بر مطالعات پس از خود پیرامون مبحث عدالت به‌جا گذاشتند. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ م انگاره عدالت شهری به طور صریح و جدی در میان مطالعات مربوط به حوزه شهری جا باز کرد. "عدل" نقشی بسیار حساس و حیاتی در ایجاد یک شهر مناسب زیست را دارد. عدالت را در کنار مفاهیم کارآمدی، کیفیت محیطی و سرزندگی به عنوان اصول اساسی برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته‌اند (Saeednia, 2004: 54). به بیان جان رالز<sup>۷</sup>، عدالت باید پایه و اساس هر نوع رابطه اجتماعی در جامعه قرار گیرد و همان نقشی را در نظام اجتماعی ایفا می‌کند که حقیقت در نظام فکری دارد (Rawls, 1971). وی همچنین در اثری دیگر بیان می‌کند که هدف عملی عدالت، مهیا نمودن بنیانی فلسفی و اخلاقی برای نهادهای دموکراتیک و پاسخ به سؤال چگونگی درک مطالبه آزادی و برابری است (Rawls, 2001: 2). عدالت اجتماعی بر اساس مفهوم توزیع عادلانه از طریق عادلانه قرار دادن است (Pourahmad et al., 2014: 184). در گزارش برانتلند<sup>۸</sup> سه لایه مهم برای دستیابی به اهداف عدالت اجتماعی عنوان گردیده است: (۱) برابری و مساوات، (۲) حفاظت از محیط‌زیست و (۳) برنامه‌ریزی فضایی (سطح ملی و محلی). دیوید هاروی شش گزاره را برای هدایت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عادلانه استخراج نموده است که عبارتند از: (۱) عدم استثمار نیروی کار، (۲) نابودی همه اشکال به حاشیه راندن گروه‌های اجتماعی، (۳) دسترسی به قدرت سیاسی و ابراز وجود توسط گروه‌های ستم دیده، (۴) نابودی امپریالیسم فرهنگی، (۵) {برقراری} اشکال انسانی کنترل اجتماعی و (۶) کاهش اثرات نامطلوب بوم‌شناختی پروژه‌های اجتماعی (Harvey, 2002: 400-401).

نظریه "شهر عدالت‌محور" عمدتاً توسط سوزان فاینستاین پرورش یافته است. وی دستیابی به شهر عدالت‌محور را همواره به عنوان هدف مناسب شهرسازی فرض کرده است (Fainstein, 2009). لذا مهمترین خصلت‌های یک شهر عدالت‌محور عبارتند از: اصل خدامحوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی)؛ اصل استقلال و تساوی مدنی (اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت

1. European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City' (Presented in Saint-Denis in May 2000).
2. Treaty for Democratic, Equitable and Sustainable Cities, Towns and Villages' (Approved in 1992, at the World Environment Summit in Rio de Janeiro).
3. City Status
4. World Charter on Right to the City'
5. The Urban Question' (Manuel Castells)
6. Social Justice and the City' (David Harvey)
7. John Rawls
8. The Brandt Land Commission Report 1983

خویش و برابری در برابر قانون؛ برقراری عدالت، برابری و مساوات؛ تعریف و تبیین روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی؛ قاعده متعهد و مسئولیت افراد؛ آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد)؛ اصل اخوه، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی؛ قانون؛ نظم؛ برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی؛ برپایی و حاکمیت علائم و نشانه‌های دین؛ اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر؛ اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر؛ وفای به عهد؛ برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی و درحوزه خصوصی)؛ اصل مشاورت و شورایی بودن امور؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی (Bemanian et al., 2014: 243). در ادامه با بهره‌گیری از پژوهش‌های مرتبط به شناسایی و استخراج شاخص‌ها و زیرشاخص‌های تحقیق اقدام گردیده که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

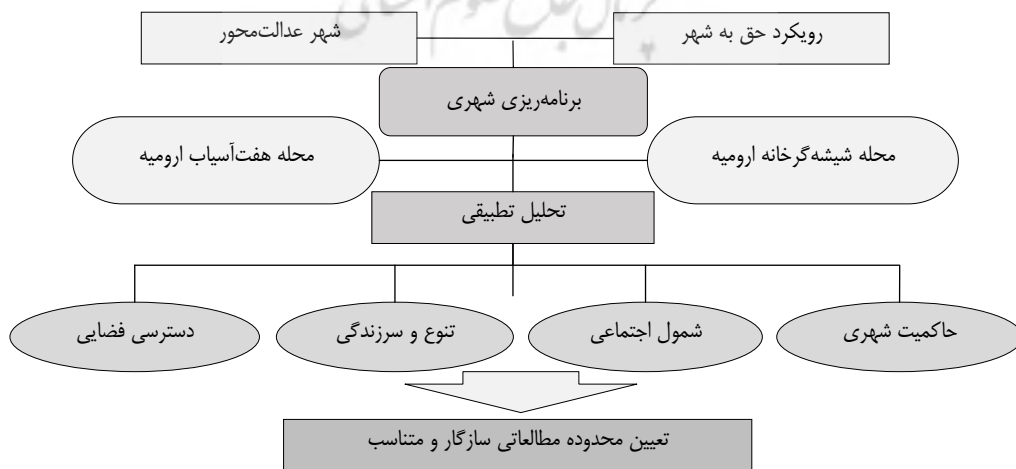
جدول ۲. معرفی شاخص‌های تحقیق

ردیف	مفهوم	شاخص	زیرشاخص
۱	حاکمیت شهری	پاسخگویی (a <sub>1</sub> )، اثربخشی (a <sub>2</sub> )، مشارکت فعال مردمی (a <sub>3</sub> )، دموکراسی (a <sub>4</sub> )، شفافیت (a <sub>5</sub> )	
۲	حق به اجتماعی	انسجام اجتماعی (b <sub>1</sub> )، توانمندسازی (b <sub>2</sub> )، عدم تبعیض (b <sub>3</sub> )، همبستگی اجتماعی (b <sub>4</sub> )، عدالت اجتماعی (b <sub>5</sub> )	
۳	شهر تنوع و سرزندگی	امنیت (c <sub>1</sub> )، ارتباطات (c <sub>2</sub> )، تفریح و فراغت (c <sub>3</sub> )، ایمنی (c <sub>4</sub> )، تعاملات اجتماعی (c <sub>5</sub> )	
۴	دسترسی فضایی	تساوی حقوق (d <sub>1</sub> )، کنترل و مالکیت فضا (d <sub>2</sub> )، دسترسی به خدمات عمومی (d <sub>3</sub> )، برخورداری از مسکن مناسب (d <sub>4</sub> )، برابری (d <sub>5</sub> )	

Source: Rafieian &amp; Alvandipour, 2016

## روش پژوهش

در تحقیق حاضر با هدف کاربردی و ماهیتی توصیفی تلاش می‌گردد تا با بهره‌گیری از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای به تشریح نظریه شهر عدالت‌محور و دیدگاه حق به شهر اقدام گردد. از روش‌های تحقیق پیمایشی، شیوه‌های پرسشنامه و واری می‌دانی بستر مطالعات میدانی را تشکیل داده است. شاخص‌های تحقیق حاضر بر مبنای رویکرد حق به شهر استخراج گردیده که به منظور تعیین محدوده مطلوب و سازگار مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل حوزه مهم و تخصصی رویکرد مورد مطالعه، جامعه آماری در تحقیق حاضر را ساکنین بافت تاریخی شهر ارومیه (۱۳۰۲۶۲ نفر) تشکیل می‌دهد که از طریق آزمون کوکران، حجم نمونه تحقیق تعداد ۳۸۳ مورد محاسبه گردیده است. به علاوه جهت حصول اطمینان در مورد روایی و پایایی پرسشنامه، از نظرات جامعه آماری بهره جسته و آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۸۲ محاسبه گردیده است. درنهایت با استفاده از روش وزن‌دهی طیف لیکرت و بهره‌مندی از تکنیک‌های سوارا (Swara) و ماباک (Mabac) در محاسبه اولویت و اهمیت زیرشاخص‌ها، وزن‌دهی زیرشاخص‌ها و رتبه‌بندی گزینه‌ها، به تعیین محدوده مطالعاتی مطلوب و برتر پرداخته شده است تا نتایج حاصل گشته و متناسب با شرایط جامعه اقدامات اساسی انجام گیرد. نتایج حاصل از تحقیق، برآمدی از نقد وضع موجود جامعه شهری در محلات مطالعاتی می‌باشد تا در صورت اتکای به آن، زمینه‌های نیل به شهری عدالت‌محور از طریق ارتقای سطح کیفی و کمی شاخص‌های حق به شهر فراهم می‌گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و دومین شهر پرجمعیت در منطقه شمال غرب کشور ایران به حساب می‌آید. این شهر بر پهنه‌ای با مساحت ۸۵۷۷ هکتار و جمعیتی برابر با ۷۳۶۲۲۴ نفر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه و در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر واقع گردیده است. سابقه تاریخی مهم شهر (یکی از کانون‌های کهن تمدن و فرهنگ در پهنه‌ی شمال غرب کشور)، قرارگیری در موقعیت خاص جغرافیایی نسبت به مناطق دیگر کشور، شهری با برتری استراتژیکی و ژئواکونومیکی برای هم‌پیوندی اقتصاد ملی با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، شهری با شرایط اقلیمی مناسب، شهری مجهز از زیرساخت‌های لازم، جامعه‌ای با سطح درآمد سرانه بالاتر، برخورداری از صنایع برجسته با تکنولوژی بالاتر، شهری برخوردار از حداکثر منافع اقتصادی در منابع طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر، وجود نیروی انسانی توسعه‌یافته و خلاق با توانایی‌های منحصر به فرد، جامعه‌ای با هم‌گرایی قوی قومی (سکونتگاه اقوام مختلف و ترکیب قومی، مذهب، دین و لهجه‌های رایج)، برخوردار از علائق و هویت محکم محلی و وجود شاخص‌های مطلوب اجتماعی و امنیتی، از خصوصیات و پتانسیل‌های مؤثری است که نشان از اهمیت بالای شهر می‌باشد. شهر ارومیه در تقسیم‌بندی سیاسی خود مشتمل بر ۵ منطقه می‌باشد. محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه در منطقه ۴ و در بافت تاریخی شهر ارومیه جای گرفته است. محله شیشه‌گرخانه در غرب بافت تاریخی و در حدفاصل معابر امام، سرداران ۱، بلوار مدنی ۲ و عطایی ۱ واقع گردیده است و مساحت آن ۱۹۹۳۰۷ متر مربع می‌باشد. این محله یکی از محورهای قدیمی شهر ارومیه است که بناهای تاریخی شاخصی همچون مسجد مناره، مدرسه هدایت و مسجد سردار که در میراث فرهنگی نیز به ثبت رسیده‌اند، در آن واقع شده است. محله هفت‌آسیاب در قسمت شمال بافت تاریخی و در مجاورت باروی شهر و دروازه شاپور (بالو) واقع شده است. همچنین در مجاورت محلات عسگرخان و علی گورگه و در حدفاصل معابر مدنی ۱، مطهری، ولیعصر و مجاهد جای گرفته است و مساحت آن ۲۶۸۲۷۱ متر مربع می‌باشد. این محدوده نیز جزء محورهای تاریخی شهر ارومیه است که به دلیل برخورداری از آسیاب‌های محله‌ای به این نام شهرت یافته است. در شکل ۲ به موقعیت محدوده‌های مطالعاتی اشاره شده است. محلات مطالعاتی شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب، بافت‌های ارزشمند تاریخی و فرهنگی شهر را در خود جای داده‌اند. این بافت‌ها در واقع بخش جدایی‌ناپذیری از هویت شهر و منزلت شهروندان شهر ارومیه به شمار می‌روند که بی‌توجهی به سطوح کیفیت زندگی و توسعه شهری ناعادلانه موجبات نابودی ارزش‌های محیطی و معنوی را سبب می‌گردد. دو محله مذکور یادآور تاریخ هزار ساله شهر ارومیه می‌باشد که به لحاظ ابعاد مختلف توسعه‌ای (اقتصادی، کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و...) دارای تفاوت‌های اساسی با سایر بافت‌های شهری می‌باشد. دستیابی به توسعه‌ای عدالت محور در این بافت‌ها (بافت‌های مسئله دار شهری) از اهداف اساسی برنامه‌ریزان و مدیران شهری محسوب می‌گردد که این مهم از طریق برنامه‌ریزی منسجم، هدفمند، اصولی و عادلانه جهت تامین نیازهای مادی و معنوی میسر خواهد بود.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعاتی

## یافته‌ها و بحث

در مطالعه حاضر با استناد به روش وزن‌دهی طیف لیکرت در ابزار پرسشنامه و با بهره‌گیری از نتایج روش‌های سوارا و ماباک به ارزیابی تطبیقی وضعیت محدوده‌های شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب شهر ارومیه نسبت به میزان تحقق‌پذیری زیرشاخص‌های حق



به شهر و دستیابی به برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور پرداخته شده است. در بخش اول داده‌های جمعیت‌شناختی حاصل از پرسشنامه مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل توصیفی تحقیق

مشخصه	ویژگی	تعداد فراوانی	درصد	مجموع
جنسیت	مرد	۲۲۶	۵۹	۱۰۰
	زن	۱۵۷	۴۱	۱۰۰
سن	۳۰-۲۰	۸۴	۲۲	۱۰۰
	۴۰-۳۱	۱۶۸	۴۴	۱۰۰
	۵۰-۴۱	۹۲	۲۴	۱۰۰
	+۵۰	۳۹	۱۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۲۳	۶	۱۰۰
	متاهل	۳۶۰	۹۴	۱۰۰
تحصیلات	زیردیپلم	۲۷	۷	۱۰۰
	دیپلم	۶۲	۱۶	۱۰۰
	فوق دیپلم	۱۳۸	۳۶	۱۰۰
	کارشناسی	۱۱۰	۲۹	۱۰۰
	ارشد و بالاتر	۴۶	۱۲	۱۰۰

در ادامه بر اساس داده‌های منتج از ابزار پرسشنامه و بهره‌مندی از نظرات حجم نمونه تحقیق، به محاسبه اولویت و سطح اهمیت هر یک از زیرشاخص‌های انتخابی تحقیق اقدام شده است. جهت محاسبه این بخش از روش سوارا بهره گرفته شده است. مقیاس ۹ امتیازی اساس نحوه وزن‌دهی زیرشاخص‌های تحقیق را تشکیل می‌دهد که با محاسبه مجموع نظرات حجم نمونه تحقیق، داده‌های اولیه روش سوارا به دست می‌آید و در ادامه با انجام محاسبات بعدی نتایج تکمیل می‌گردد. در جدول (۵) به نتایج نهایی این روش اشاره شده است.

جدول ۴. نتایج وزن‌دهی زیرشاخص‌های تحقیق (روش سوارا)

رتبه نهایی	$W_j = q_j / \sum q_j$	$q_j = q_j - 1/k_j$	$K_j = S_j + 1$	$S_j$	مجموع امتیازات	برتری زیرمعیارها
۱	۰/۴۸۳۰۹۱	۱	۱	۰	۳۱۱۱	D <sub>3</sub>
۲	۰/۲۴۵۹۷۳	۰/۵۰۹۱۶۵	۱/۹۶۴	۰/۹۶۴	۲۹۹۸	C <sub>5</sub>
۳	۰/۱۲۳۶	۰/۲۷۴۴۸۲	۱/۸۵۵	۰/۸۵۵	۲۵۶۴	D <sub>2</sub>
۴	۰/۰۶۶۴۶۶	۰/۱۳۷۵۸۵	۱/۹۹۵	۰/۹۹۵	۲۵۵۰	C <sub>1</sub>
۵	۰/۰۳۵۳۹۱	۰/۰۳۳۲۶۱	۱/۸۷۸	۰/۸۷۸	۲۲۳۸	B <sub>4</sub>
۶	۰/۰۱۸۱۹۶	۰/۰۳۷۶۶۶	۱/۹۴۵	۰/۹۴۵	۲۱۱۵	D <sub>5</sub>
۷	۰/۰۰۹۱۳۴	۰/۰۱۸۹۰۹	۱/۹۹۲	۰/۹۹۲	۲۰۹۸	B <sub>1</sub>
۸	۰/۰۰۴۶۹۹	۰/۰۰۹۷۲۷	۱/۹۴۴	۰/۹۴۴	۱۹۸۰	A <sub>2</sub>
۹	۰/۰۰۲۳۶۱	۰/۰۰۴۸۸۷	۱/۹۹	۰/۹۹	۱۹۶۱	B <sub>3</sub>
۱۰	۰/۰۰۱۱۸۸	۰/۰۰۲۴۶۱	۱/۹۸۶	۰/۹۸۶	۱۹۳۴	C <sub>2</sub>
۱۱	۰/۰۰۰۵۹۵	۰/۰۰۱۲۳۳	۱/۹۹۵	۰/۹۹۵	۱۹۲۵	D <sub>4</sub>
۱۲	۰/۰۰۰۳۲	۰/۰۰۰۶۶۳	۱/۸۶	۰/۸۶	۱۶۵۵	D <sub>1</sub>
۱۳	۰/۰۰۰۱۶۱	۰/۰۰۰۳۳۴	۱/۹۸۴	۰/۹۸۴	۱۶۲۸	B <sub>5</sub>
۱۴	۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱۶۷	۱/۹۹۴	۰/۹۹۴	۱۶۱۸	A <sub>3</sub>
۱۵	۰/۰۰۰۰۴۵	۰/۰۰۰۰۹۵	۱/۷۶	۰/۷۶	۱۲۳۰	A <sub>1</sub>
۱۶	۰/۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۰۴۸	۱/۹۸۵	۰/۹۸۵	۱۲۱۱	B <sub>2</sub>
۱۷	۰/۰۰۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰۲۴	۱/۹۹۷	۰/۹۹۷	۱۲۰۷	C <sub>3</sub>
۱۸	۰/۰۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۱۲	۱/۹۱۱	۰/۹۱۱	۱۱۰۰	A <sub>5</sub>
۱۹	۰/۰۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۰۶	۱/۹۹۷	۰/۹۹۷	۱۰۹۷	C <sub>4</sub>
۲۰	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۳	۱/۷۳	۰/۷۳	۸۰۱	A <sub>4</sub>
	۲/۰۰۷				$\sum q_j$	

طبق جدول فوق، معیارهای مورد مطالعه در تحقیق حاضر از نظر سطح اهمیت و ارزش (اولویت) در محدوده‌های مطالعاتی، از سوی حجم نمونه تحقیق (پرسش‌شوندگان) مورد بررسی و وزن‌دهی قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از روش سوارا بیانگر این است که شاخص دسترسی فضایی و حاکمیت شهری به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت و اولویت را در ارزیابی محدوده به خود اختصاص داده است. طبق یافته‌ها، زیرشاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی، برخورداری از تعاملات اجتماعی، تأکید بر کنترل و مالکیت فضا و وجود امنیت به ترتیب با کسب وزن نهایی ۰/۴۸۳۰۹۱، ۰/۲۴۵۹۷۳، ۰/۱۳۲۶ و ۰/۰۶۶۴۶۶ در بالاترین سطح اهمیت از نظر زیرشاخص‌های لازم جهت ارزیابی وضع محدوده مطالعاتی قرار گرفته است. همچنین زیرشاخص‌های برخورداری از دموکراسی در شهر، وضعیت ایمنی، وجود شفافیت و برخورداری از تفریح و اوقات فراغت لازم به ترتیب با کسب وزن نهایی ۰/۰۰۰۰۰۱، ۰/۰۰۰۰۰۳، ۰/۰۰۰۰۰۵ و ۰/۰۰۰۰۱۱ در پایین‌ترین سطح اهمیت و ارزش از سوی پرسش‌شوندگان مورد بررسی و وزن‌دهی قرار گرفته است. محلات مطالعاتی شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب در منطقه ۴ و محدوده مرکزی شهر ارومیه قرار دارد. از این محدوده به عنوان اصلی‌ترین و پررنگ‌ترین محدوده شهری از نظر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی، عملکردی، ادراکی و ارتباطات ترافیکی یاد می‌شود که دارای بیشترین سطح تبدلات شهری می‌باشد. زندگی ساکنین حاضر در محدوده مرکزی شهر به دلیل اسکان در قطب تجاری شهر، با شلوغی و هرج و مرج عدیده‌ای همراه است که این عامل تأثیر مهمی در نحوه پاسخگویی و وزن‌دهی زیرشاخص‌های تحقیق داشته است.

پس از تحلیل و واکاوی اهمیت هر یک از زیرشاخص‌ها، با بهره‌گیری از میانگین نظرات حجم نمونه تحقیق و نتایج روش سوارا به ارزیابی تطبیقی گزینه‌های پیشنهادی تحقیق (محدوده‌های شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب شهر ارومیه) در روش ماباک پرداخته می‌شود تا سطح اولویت هر یک از محلات مطالعاتی از نظر دستیابی به برنامه‌ریزی شهری عادلانه و تحقق سیاست‌های حق به شهر مشخص گردد. روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ماباک مشتمل بر هشت گام تعیین عوامل (زیرشاخص‌ها) و گزینه‌های تحقیق (محدوده‌های مطالعاتی)، تشکیل ماتریس تصمیم، نرمال‌سازی ماتریس تصمیم ( $\Pi_{ij}$ )، وزن‌دار کردن ماتریس نرمال ( $W_i$ )، تشکیل ماتریس تصمیم نرمال موزون ( $V_{ij}$ )، تعیین مرز ناحیه شباهت ماتریس ( $g_i$ )، محاسبه فاصله گزینه‌ها تا مرز ناحیه شباهت ( $q$ ) و رتبه بندی نهایی گزینه‌های تحقیق می‌باشد. در تحقیق حاضر هر یک از محلات شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب به ترتیب با حروف اختصاری X و Y مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین اساس وزن‌دهی و تعیین سطح مطلوبیت گزینه‌ها برطبق میانگین دیدگاه‌های جامعه آماری تحقیق تشکیل یافته و بر اساس طیف ۹ امتیازی می‌باشد. در ادامه به نتایج حاصل از روش ماباک اشاره شده است.

جدول ۵. تشکیل ماتریس تصمیم و نرمال‌سازی آن (روش ماباک)

معیار	پاسخگویی	اثر بخشی	مشارکت فعال مردمی	دموکراسی	شفافیت	انسجام اجتماعی	توانمندسازی	عدم تبعیض	همبستگی اجتماعی	عدالت اجتماعی
X ماتریس	۳	۵	۴	۱	۲	۶	۳	۵	۷	۴
Y تصمیم	۵	۲	۹	۲	۵	۳	۲	۷	۴	۲
E <sup>+</sup>	۵	۵	۹	۲	۵	۶	۳	۷	۷	۴
E <sup>-</sup>	۳	۲	۴	۱	۲	۳	۲	۵	۴	۲
X n <sub>ij</sub>	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱
Y	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰

جدول ۶. ادامه جدول ۵

معیار	امنیت	ارتباطات	تفریح و فراغت	ایمنی	تعاملات اجتماعی	تساوی حقوق	کنترل و مالکیت فضا	دسترسی به خدمات عمومی	برخورداری از مسکن مناسب	برابری
X ماتریس	۸	۵	۳	۲	۹	۴	۶	۹	۵	۶
Y تصمیم	۲	۴	۱	۵	۵	۳	۵	۵	۲	۳
E <sup>+</sup>	۸	۵	۳	۵	۹	۴	۶	۹	۵	۶
E <sup>-</sup>	۲	۴	۱	۲	۵	۳	۵	۵	۲	۳
X n <sub>ij</sub>	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
Y	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰

طبق داده‌های جدول فوق (برگرفته از میانگین نظرات و دیدگاه‌های حجم نمونه تحقیق حاضر)، در محله شیشه‌گرخانه عوامل دموکراسی، سطح شفافیت و وضعیت ایمنی در نامناسب‌ترین وضعیت موجود قرار دارند. همچنین عوامل تعاملات اجتماعی در سطح جامعه، میزان دسترسی به خدمات عمومی و سطح امنیت در مطلوب‌ترین وضعیت واقع شده است. وجود تردد و شلوغی بیش از حد، نادیده گرفتن حقوق عمومی، وجود تعاملات و مراودات اجتماعی قوی و پایدار، توان بالای امنیتی و میزان دسترسی مطلوب به خدمات عمومی شهر رابطه معناداری با مراکز شهری دارد که مخاطبان با تأثیرپذیری از خصوصیت مذکور (نزدیکی محله شیشه‌گرخانه به بافت مرکزی شهر) به وزن‌دهی زیرشاخص‌ها اقدام نموده‌اند. طبق نظرات مخاطبان در محله هفت‌آسیاب، عوامل وضعیت تفریح و فراغت، وضعیت امنیت، میزان برخورداری از مسکن مناسب، میزان تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی، اقدامات توانمندسازی، دموکراسی و سطح اثربخشی در نامناسب‌ترین شرایط جای گرفته است. همچنین عوامل سطح مشارکت فعال مردمی و تأکید بر عدم تبعیض در مناسب‌ترین وضعیت ممکن قرار دارد. در این میان، دوری از فضاهای تفریحی-توریستی و گذران اوقات فراغت، وجود برابری تقریبی در سطح درآمد خانوار و وضعیت اقتصادی (تمایل بیشتر به مشارکت در امور مختلف محلی) اثر بسزایی در نحوه پاسخگویی داشته است.

جدول ۷. وزن‌دهی ماتریس تصمیم و تکمیل گام‌های مرز ناحیه شباهت

معیار	پاسخگویی	اثربخشی	مشارکت فعال مردمی	دموکراسی	شفافیت	انسجام اجتماعی	توانمندسازی	عدم تبعیض	همبستگی اجتماعی	عدالت اجتماعی	شرح
$w_i$	۰/۰۰۰۰۴۵	۰/۰۰۴۶۹۹	۰/۰۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۹۱۳۴	۰/۰۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۲۳۶۱	۰/۰۰۳۵۳۹۱	۰/۰۰۰۰۱۶۱	
$X$	۰/۰۰۰۰۴۵	۰/۰۰۹۳۹۸	۰/۰۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۵	۰/۰۰۱۸۲۶۸	۰/۰۰۰۰۰۴۶	۰/۰۰۰۲۳۶۱	۰/۰۰۷۰۷۸۲	۰/۰۰۰۰۳۳۲	$v_{ij}$
$Y$	۰/۰۰۰۰۰۹	۰/۰۰۴۶۹۹	۰/۰۰۰۰۱۶	۰/۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۹۱۳۴	۰/۰۰۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۴۷۲۲	۰/۰۰۳۵۳۹۱	۰/۰۰۰۰۱۶۱	
$g_i$	۰/۰۰۰۰۰۶	۰/۰۰۰۶۶۴۵	۰/۰۰۰۰۱۱۳	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۷	۰/۰۰۱۳۹۱۷	۰/۰۰۰۰۰۳۲	۰/۰۰۰۳۳۳۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲۳۱	$Q$
$X$	۰/۰۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۲۷۵۳	۰/۰۰۰۰۰۳۳	۰	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۵۳۵۱	۰/۰۰۰۰۰۱۴	۰/۰۰۰۰۹۷۷	۰/۰۰۲۰۷۸۲	۰/۰۰۰۰۱۰۱	
$Y$	۰/۰۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱۹۴۶	۰/۰۰۰۰۰۴۷	۰/۰۰۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳۷۸۳	۰/۰۰۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۱۳۸۴	۰/۰۰۱۴۶۰۹	۰/۰۰۰۰۰۰۷	

جدول ۸. ادامه جدول ۷

معیار	امنیت	ارتباطات	تفریح و فراغت	ایمنی	تعاملات اجتماعی	تساوی حقوق	کنترل و مالکیت فضا	دسترسی به خدمات عمومی	برخورداری از مسکن مناسب	برابری	شرح
$w_i$	۰/۰۶۶۴۶۶	۰/۰۰۱۱۸۸	۰/۰۰۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰۰۳	۰/۲۴۵۹۷۳	۰/۰۰۰۰۳۲	۰/۱۳۲۶	۰/۴۸۳۰۹۱	۰/۰۰۰۰۵۹۵	۰/۰۱۸۱۹۶	
$X$	۰/۱۳۲۹۳۲	۰/۰۰۲۳۷۶	۰/۰۰۰۰۲۲	۰/۰۰۰۰۰۳	۰/۴۹۱۹۴۶	۰/۰۰۰۰۶۴	۰/۲۶۵۲	۰/۹۶۶۱۸۲	۰/۰۰۰۱۱۹	۰/۰۰۳۶۳۹۲	$v_{ij}$
$Y$	۰/۰۶۶۴۶۶	۰/۰۰۱۱۸۸	۰/۰۰۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰۰۶	۰/۲۴۵۹۷۳	۰/۰۰۰۰۳۲	۰/۱۳۲۶	۰/۴۸۳۰۹۱	۰/۰۰۰۰۵۹۵	۰/۰۱۸۱۹۶	
$g_i$	۰/۰۹۳۹۹۷	۰/۰۰۱۶۸	۰/۰۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰۰۴	۰/۳۴۷۸۵۸	۰/۰۰۰۰۴۵۲	۰/۱۸۷۵۲۴	۰/۶۸۳۱۹۳	۰/۰۰۰۰۸۴۱	۰/۰۰۲۵۷۳۳	$Q$
$X$	۰/۰۳۸۹۳۵	۰/۰۰۰۶۹۶	۰/۰۰۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰۰۰۱	۰/۱۴۴۰۸۸	۰/۰۰۰۰۱۸۸	۰/۰۰۷۷۶۷۶	۰/۲۸۲۹۸۹	۰/۰۰۰۰۳۴۹	۰/۰۱۰۶۵۹	
$Y$	۰/۰۰۲۷۵۳۱	۰/۰۰۰۰۴۹۲	۰/۰۰۰۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۱۸۸۵	۰/۰۰۰۰۱۳۲	۰/۰۰۵۴۹۲۴	۰/۰۰۲۰۰۱۰۲	۰/۰۰۰۰۲۴۶	۰/۰۰۰۰۷۵۳۷	

جدول ۹. رتبه‌بندی نهایی گزینه‌های پیشنهادی تحقیق (محلات مطالعاتی)

ردیف	گزینه	وزن نهایی گزینه‌ها	رتبه
۱	محله شیشه‌گرخانه (X)	۰/۵۸۳۵۴	۱
۲	محله هفت‌آسیاب (Y)	۰/۴۱۸۰۳	۲

براساس نتایج حاصل از محاسبات روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ماباک و سوارا، محله شیشه‌گرخانه شهر ارومیه به ترتیب در زیرشاخص‌های میزان دسترسی به خدمات عمومی و سطح تعاملات اجتماعی مطلوب‌ترین وضعیت را به خود اختصاص داده است. به علاوه در زیرشاخص‌های تأکید بر عدم تبعیض و سطح مشارکت فعال مردمی نامناسب‌ترین وضعیت را داشته است. ویژگی مهم این محله به واسطه نزدیکی به مرکز شهر و برخورداری از ویژگی مرکزیت تجاری شهر با پایین‌ترین سطح سکونت (حجم تردد زیاد و به تبع آن افزایش حضورپذیری شهروندان) و توان اقتصادی بالا نمود می‌یابد. همچنین محله هفت‌آسیاب به ترتیب در زیرشاخص‌های تأکید بر عدم تبعیض و سطح مشارکت فعال مردمی در مطلوب‌ترین وضعیت، و در زیرشاخص‌های میزان دسترسی به خدمات عمومی و سطح تعاملات اجتماعی در نامطلوب‌ترین وضعیت جای گرفته است. بر اساس رتبه‌بندی و نتایج نهایی محلات مطالعاتی در روش ماباک (جدول ۱۰)، محله شیشه‌گرخانه شهر ارومیه با وزن نهایی ۰/۵۸۳۵۴ نسبت به محله هفت‌آسیاب با وزن ۰/۴۱۱۸۰۳ وضعیت بهتر و مطلوب‌تری را از نظر شاخص‌های حاکمیت شهری، شمول اجتماعی، تنوع و سرزندگی و دسترسی فضایی داشته است.

## نتیجه‌گیری

در طی سال‌های اخیر مفهوم حق به شهر و دیدگاه عدالت شهری به عنوان مهم‌ترین مباحث در حوزه حقوق شهروندی و برنامه‌ریزی شهری مطرح بوده که در سطوح ملی، بین‌المللی، گردهمایی‌ها و محافل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بدان پرداخته شده است. علی‌رغم اینکه از ارائه مفهوم حق به شهر از دیدگاه هنری لوفور سالیان زیادی می‌گذرد، ولی این مفهوم در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت جوامع شهری ایران هنوز به صورت جدی تبیین و تشریح نگردیده است. طبق بررسی و مطالعه مبانی و چارچوب نظری موجود پیرامون اندیشه "حق به شهر"، می‌توان به این نتیجه رسید که شهرها به تمام شهروندانی که در آن زندگی می‌کنند تعلق دارد. انسان‌ها صرف‌نظر از هرگونه ویژگی‌های خاص محیطی و جغرافیایی و ذاتی، شایسته بهره‌مندی از این حق در راستای دستیابی به بالاترین سطح کیفیت زندگی شهری می‌باشند. امروزه با توجه به افزایش جمعیت و گسترش وسیع شهرنشینی، فضاها و عملکردهای عمومی شهری بیشتر مورد توجه و اهمیت مردم و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. مفهوم حق به شهر با مطالبه‌گری و حق خواهی در بسترهای زندگی شهری به خوانشی بنیادین جهت دستیابی به برنامه‌ریزی شهری بر مبنای عدالت تبدیل گردیده است. و جدالی موثر در توانا ساختن تمامی شهروندان شهر در برخورداری از امکانات، تسهیلات و مزایای زندگی شهری، باز یکپارچه‌سازی فضاها و عمومی شهری و بازساخت شهری قابل زیست و پایدار به حساب می‌آید. از این رو، فرآیند برنامه‌ریزی شهری در ایران بایستی به نحوه تحقق دیدگاه حق به شهر و ارتقای سطح مطلوبیت مولفه‌های آن در فضاها و عمومی شهری بیندیشد تا از این راه شهرها را از زوال و بیگانگی اجتماعی-فضائی در زندگی روزمره خود برهاند. حق به شهر در واقع به مثابه حق شهروندیت شهری محسوب می‌گردد که موجب تجدید حقوق جمعی در قالب تخصیص فضا به شهروندان یک شهر و مشارکت و عضویت آنها در امورات مختلف توسعه‌ای است که به صورت مستقیم در فضاها و متنوع شهری و زندگی روزمره شهروندان تاثیر مثبت می‌گذارد و تصمیمات بیشتری را در حوزه توسعه شهری تحت نظارت شهرنشینان قرار می‌دهد. آنچه که از فرآیند توسعه شهری امروزی بر می‌آید این است که با وجود تغییرات گسترده در سبک زندگی مردم و سطوح حقوق اجتماعی افراد، برنامه‌ریزی شهری همچنان مطابق خواسته گروه‌های قدرتمند اجتماعی صورت می‌گیرد. در این راستا رویکرد حق به شهر به عنوان مفهومی قدرتمند و فراتر از آزادی فردی در دسترسی به تمهیدات متنوع شهری، حق تفسیر اجتماع شهری در قبال تغییر شهر است که به نوعی موجبات تقویت ارزش و جایگاه کاربردی فضاها و شهری در مقابل ارزش کالایی شهر را فراهم می‌نماید. در تحقیق حاضر سعی بر این بود تا با تحلیل و واکاوی انگاره‌های حق به شهر، عدالت شهر و شهرسازی عدالت‌محور، اندیشه‌های نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف (با تأکید بر دیدگاه هنری لوفور) مورد بررسی قرار گیرد تا جایگاه این مفاهیم در جوامع شهری و روند برنامه‌ریزی و طراحی فضاها و شهری روشن گردد. هدف این تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی بوده و روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق نیز اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. ارزیابی تطبیقی محلات شیشه‌گرخانه و هفت‌آسیاب شهر ارومیه محور مطالعاتی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. جامعه آماری تحقیق حاضر مشتمل بر ساکنین بافت تاریخی شهر ارومیه می‌باشد که با احتساب روش کوکران تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل کیفی و کمی از قبیل روش‌های مشاهده، مصاحبه از طریق ابزار پرسشنامه و تکنیک‌های

سوارا (جهت وزن دهی و تعیین درجه اهمیت هر یک از معیارهای پیشنهادی) و ماباک (جهت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی گزینه‌های پیشنهادی) به تجزیه و تحلیل تحقیق پرداخته شده است. در نهایت با بررسی میزان اهمیت مولفه‌های حق به شهر، به رتبه‌بندی و تعیین اولویت هر یک از محلات مطالعاتی از لحاظ دستیابی به برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور اقدام شده است. طبق نتایج روش سوارا، زیرشاخص "دسترسی به خدمات عمومی" در شاخص دسترسی فضایی با وزن  $0/483091$  و زیرشاخص "دموکراسی" در شاخص حاکمیت شهری با وزن  $0/000001$  به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ماباک، محله شیشه‌گرخانه شهر ارومیه با وزن نهایی  $0/58354$  مطلوب‌ترین وضع موجود را به خود اختصاص داده است. همچنین محله هفت‌آسیاب شهر نیز با وزن نهایی  $0/411803$  در نامطلوب‌ترین وضعیت ممکن قرار گرفته است. در نهایت جهت بهبود وضع موجود و نیل به شرایطی بهتر از لحاظ تحقق‌پذیری شهرسازی عدالت‌محور و توجه به اهمیت مفهوم حق به شهر در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری، به ارائه پیشنهاداتی پرداخته می‌شود:

- تاکید بر عدم تبعیض و توسعه خدمات و عملکردهای آموزشی، بهداشتی درمانی و پارک و فضای سبز در نواحی محروم (با اولویت محله شیشه‌گرخانه).

- ارتقای کمی و کیفی مسکن در محدوده هفت‌آسیاب و تاکید بر حفاظت از محیط زیست و دسترسی همه ساکنین به عملکردهای شهری.

- شناسایی کامل الگوهای رفتاری شهروندان و تلاش در راستای افزایش آگاهی و ارتقای سطح شفافیت عمومی در محدوده شیشه‌گرخانه در مواجهه با مسائل و مشکلات موجود در محدوده جهت بازدهی بالا در پیاده‌سازی طرح‌های از پیش اندیشیده شده.

- تاکید و توجه بر معیارهای انسانی در تخصیص، توزیع و مدیریت عملکردهای شهری در محدوده هفت‌آسیاب (تخصیص فضا با رویکرد شهروندی).

- استفاده از زمین‌های بایر و مخروبه موجود در محدوده هفت‌آسیاب جهت تأمین کمبودها و ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات و عملکردهای شهری (با تاکید بر کاربری‌های تفریحی و گذران اوقات فراغت).

- بهره‌گیری کامل از مشارکت شهروندان محدوده شیشه‌گرخانه در مولفه حکمروایی شهری و به کارگیری سیاست‌های آنان در نظام حاکمیت و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مسئولان جهت ایجاد تغییرات هدفمند شهری.

- تاکید بر افزایش تعاملات اجتماعی، ارتقای همزیستی چند فرهنگی، افزایش صلح و دوستی و ارتقای سطح امنیت از طریق بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری در محدوده هفت‌آسیاب.

- اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌هایی در جهت ارتقای سطح ایمنی در محدوده اطراف محله شیشه‌گرخانه (معاور امام، سرداران ۱، بلوار مدنی ۲ و عطایی ۱).

## منابع

- بمانیان، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر و بهرام‌پور، مهدی. (۱۳۹۳). تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت‌محور در نظام مدیریت شهری با تاکید بر طرح‌های توسعه شهری. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، ۲۵۶-۲۳۱.
- پوراحمد، احمد؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ زیاری، کرامت‌اله؛ فرجی سبکیار، حسنعلی و وفایی، ابودر. (۱۳۹۳). بررسی و ارزیابی کاربری اراضی شهر از منظر عدالت اجتماعی (مورد مطالعه: کاشان). فصلنامه آمایش سرزمین، ۶(۲)، ۱۷۹-۲۰۸.
- تیبالدز، فرانسس. (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا. ترجمه محمد احمدی‌نژاد، تهران: انتشارات نشر خاک.
- حبیبی، سیدمحسن و امیری، مریم. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب (آنچه هست و آنچه باید باشد). فصلنامه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۳۰-۹.
- حیدری، فردین و زارعی، مجید. (۱۳۹۸). مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروند مدار (تطبیق هنجارهای جامع بیان‌گر شهروندمداری، با شاخص‌های کیفی طراحی شهری). مجله منظر، ۱۱(۴۶)، ۲۳-۱۴.
- رفعیان، مجتبی و الوندی‌پور، نینا. (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۴۷-۲۵.
- رهبری، لادن و شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۱)، ۱۴۱-۱۱۶.



- رهبری، لادن و شارعپور، محمود. (۱۳۹۳). *تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از حق به شهر در تهران، تهران: انتشارات تیسرا.*
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۸۲). *شهرسازی، کتاب سبز شهرداری‌ها.* جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها، وزارت کشور.
- سعیدی‌رضوانی، هادی. (۱۳۹۱). تبیین مفهوم و شاخص‌سازی شهر عدالت‌محور؛ نمونه ارزیابی شهر تهران. رساله مقطع دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران.* خلاصه آمار جمعیتی ایران و استان آذربایجان غربی، تهران. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). *شهرسازی و معماری اسلامی.* اصفهان: انتشارات راهیان.
- هاروی، دیوید و مری‌فیلد، اندی. (۱۳۹۲). *حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی.* ترجمه خسرو کلانتری، تهران: انتشارات مهر ویستا.
- Harvey, D., & Maryfield, A. (2014). *Right to the City: The Urban Roots of the Financial Crisis.* Translated by Kalantari Khosrow, Mehrvasta Publications, Tehran, Iran.
- Brain, D. (2006). Democracy and Urban Design: The Transect and Civic Renewal, *Places Journal*, 18(1), 17-23.
- Brenner, N., Marcuse, P., & Mayer, M. (2012). *Cities for People not for Profit: Critical Urban Theory and the right to the city.* London & New York: Taylor & Francis Group.
- Campbell, H. (2006). Just Planning: The art of Situated Ethical Judgment. *Journal of Planning Education and Research*, No 26, 92-106.
- Fainstein, S. (2009). Planning and the Just City. In P. Marcuse, J. Connolly, J. Novy, I. Olivo, C. Potter, & J. Steil (ed.), *Searching for the Just City: Debate in Urban Theory and Practice.* pp 19-39, Routledge, New York.
- Fainstein, S. (2010). *The Just City.* Cornell University Press, Ithaca and London.
- Fainstein, S. (2003). *New Directions in Planning Theory.* In S, Fainstein and S. Campbell (ed.). Reading in Urban Theory, Blackwell, Malden and Oxford.
- Harvey, D. (2008). Debates and Developments: the right to the city. *International Journal of Urban and Regional*, 27(4), 939-941.
- Harvey, D. (2002). *Social Justice, Postmodernism and the City.* In S, Fainstein and S. Campbell (ed.). Reading in Urban Theory, Blackwell, Malden and Oxford.
- Iwamoto, W. (2008). Welcome Address. UNESCO 2008, pp. 12-18.
- King, L, A. 2004. Democracy and City Life. *Journal of Politics, Philosophy & Economics*, 3(1), 97-124.
- Kofman, E., & Lebas, E. (1996). *Writings on Cities.* Oxford: Blackwell Publishing.
- Lefebvre, H. (1996). *The Urban Revolution.* Translated by: R. Bononno, Trans, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Lefebvre, H. (2009). *State, Space, World: Selected essays.* Translated by: N. Brenner, S. Elden, Eds., G. Moore, N. Brenner, Trans Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Lefebvre, H. (1968). *Le Droit a la Ville (The Right to the City).* Anthropos: Paris.
- Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space.* New York: The Guilford Press.
- Purcell, M. (2013). *Recapturing Democracy.* New York: Routledge.
- Purcell, M., Shannon K, T. (2015). *Cultivating food as a Right to the City.* *Local Environment. International Journal of Justice and Sustainability*, 20(10), 1132-1142.
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice.* Cambridge: Harvard University Press.
- Rawls, J. (2001). *Justice as Fairness; A Restatement.* London: Harvard University Press.
- Safier, M. (2006). *Securing the Right to the City: The Case for Civic Cosmopolitanism.* UNESCO UN-HABITAT ISS 2006: 30.
- Savdercock, L. (2003). *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21<sup>st</sup> century.* Continuum, London.

**How to cite this article:**

Samadi, A., Ahmadi, Q., & Saket Hasanlouei, M. (2023). Rethinking on the Concept of the Right to the City and its Relationship with Justice-Oriented Urban Planning (Case Study: A Comparative Analysis of the Haftasiyab and Shishegarkhaneh Neighborhoods of Urmia City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(2), 15-27.

**ارجا به این مقاله:**

صمدی، علی؛ احمدی، قادر و ساکت حسنلویی، میثم. (۱۴۰۲). بازاندیشی در مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با شهرسازی عدالت‌محور (مورد پژوهی: تحلیل تطبیقی محلات هفت آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۸(۲)، ۱۵-۲۷.

# فصلنامه علمی

## مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی